



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: حقیقت شرعیه

موضوع جزئی: مقام دوم: ثمره نزاع در باب حقیقت شرعیه

سال: پنجم

تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۹۲

مصادف با: ۶ صفر ۱۴۳۵

جلسه: ۴۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم طبق نظر مرحوم آخوند بحث از حقیقت شرعیه دارای ثمره عملیه است، محصل نظر ایشان این شد که اگر ما قائل به حقیقت شرعیه باشیم و تأخر استعمال از وضع را احراز کنیم الفاظ وارد شده در کتاب و سنت را بر معانی شرعیه‌اش حمل خواهیم کرد ولی اگر تأخر استعمال را احراز نکنیم با اینکه قائل به ثبوت حقیقت شرعیه هستیم لکن در اینجا دو نظر وجود دارد: یک نظر این است که لفظ بر معنای شرعی خودش حمل می‌شود و نظر دیگر این است که لفظ بر معنای لغوی خودش حمل می‌شود، مبنای نظر اول اصالة تأخر الاستعمال عن الوضع بود و مبنای نظر دوم اصالة عدم النقل بود. ما پاسخ از اصالة تأخر الاستعمال را در جلسه گذشته اشاره کردیم، اکنون باید به پاسخ از اصالة عدم النقل بپردازیم.

### بررسی اصالة عدم النقل:

قائلین به جریان اصالة عدم النقل می‌گویند: در جایی که شک داریم مثلاً مراد از لفظ «صل» که در دلیل «صل عند رؤیة الهلال» استعمال شده آیا معنای لغوی آن است یا از معنای لغوی به معنای شرعی نقل داده شده، اصالة عدم النقل اقتضاء می‌کند چنین نقلی صورت نگرفته لذا لفظ بر معنای لغوی خودش حمل می‌شود و لذا «صل عند رؤیة الهلال» به این معناست که زمان دیدن هلال ماه دعا کنید.

این نظر هم مبتلا به اشکال است یعنی نتیجه اصالة عدم النقل حمل بر معنای لغوی نیست؛ چون اصالة عدم النقل در جایی جاری می‌شود که در اصل نقل تردید باشد یعنی ما شک داشته باشیم مثلاً لفظ «صلاة» از معنای لغوی خودش که دعاست به معنای شرعی که نماز است منتقل شده یا نه که در این صورت با تمسک به اصالة عدم النقل احتمال نقل را نفی می‌کنیم ولی در جایی که اصل نقل مسلم است و ما می‌دانیم لفظ از معنای لغوی به معنای شرعی نقل پیدا کرده لکن در زمان این نقل شک داریم و نمی‌دانیم آیا این نقل قبل از استعمال لفظ «صل» در دلیل «صل عند رؤیة الهلال» است یا بعد از استعمال؟ نمی‌توان به اصالة عدم النقل تمسک کرد.

پس اصل نظر مرحوم آخوند که می‌خواست بگوید طبق انظار و آراء مختلف در باب حقیقت شرعیه ثمره‌ای بر این نزاع مترتب است مبتلا به اشکال است. ایشان می‌خواست بگوید پذیرش یا انکار حقیقت شرعیه نتایج متفاوتی دارد و این ثمره‌ای است که بر بحث از حقیقت شرعیه مترتب می‌شود.

## قول دوم:

یک نظر دیگری هم که مثل نظر مرحوم آخوند وجود ثمره در باب حقیقت شرعی را پذیرفته ولی متفاوت با نظر مرحوم آخوند است در محاضرات<sup>۱</sup> به صورت «قیل» بیان شده است.

طبق این قول بنا بر ثبوت حقیقت شرعی لفظ بر معنای شرعی خود حمل می‌شود یعنی در مورد الفاظ وارد شده در کتاب و سنت اگر قائل به حقیقت شرعی باشیم قهراً لفظ را باید بر معنای شرعی حمل کنیم اما اگر حقیقت شرعی را نپذیریم و بگوییم شارع اساساً وضع خاص و جدیدی برای الفاظ نداشته باید توقف کنیم؛ به این بیان که:

اگر کسی حقیقت شرعی را قبول داشته باشد می‌گوید «صلّ» در جمله «صلّ عند رؤیة الهلال» به عنوان دلیل شرعی بر معنای شرعی‌اش حمل می‌شود و لازمه دلیل شرعی این است که شارع الفاظ را برای معانی مورد نظرش در محیط شرع وضع کرده و وقتی لفظ در محیط شرعی یک معنای جدیدی پیدا کرده دلیل ندارد که ما آن را بر معنای لغوی حمل کنیم مگر اینکه قرینه خاص وجود داشته باشد که منظور معنای لغوی آن است.

اما اگر حقیقت شرعی ثابت نشود، یعنی منکر حقیقت شرعی باشیم و بگوییم شارع اصلاً در کار وضع دخالتی نداشته، در این صورت یک مسئله‌ای باید مورد توجه قرار گیرد و آن این است که طبق مبنای انکار حقیقت شرعی اگر چه شارع در کار وضع و واضح دخالت نکرده اما به خاطر کثرت استعمال این الفاظ در معنای شرعی کم‌کم به مجاز مشهور تبدیل شده‌اند، مثلاً وقتی چندین مرتبه پیامبر (ص) لفظ «صلاة» را استعمال کرد و قرینه هم آورد تا بفهماند منظور از این لفظ دعا نیست مثلاً وقتی نماز خوانده‌اند فرموده‌اند: «صلّوا کذاک»؛ این گونه نماز بخوانید، در این صورت معلوم است که لفظ «صلّ» به قرینه اشاره به نمازی که خوانده شده بر معنای لغوی حمل نمی‌شود و کم‌کم بعد از مدتی که این قراین استفاده شده به مجاز مشهور تبدیل شده که قرینه نیاز ندارد.

پس در واقع اینجا امر دایر است بین حقیقت و مجاز مشهور یعنی ما نمی‌دانیم مثلاً لفظ «صلّ» را باید بر معنای لغوی حمل کنیم که معنای حقیقی است یا معنای مجاز مشهور از این لفظ استفاده شود و در تعارض بین حقیقت و مجاز مشهور آنچه شهرت پیدا کرده و نوعاً آن را پذیرفته‌اند توقف است یعنی لفظ نه بر مجاز مشهور حمل می‌شود و نه بر حقیقت و در واقع گویا لفظ مجمل شده در نتیجه طبق مبنای انکار حقیقت شرعی لفظ نه بر معنای حقیقی حمل می‌شود و نه بر معنای شرعی که مجاز مشهور شده لذا لفظ مجمل می‌شود مثل لفظ «عین» که اگر بدون قرینه استعمال شود نه بر عین باکیه حمل می‌شود و نه بر عین جاریه.

پس قول دوم مثل قول اول در یک جهت مشترک است و آن این که هر دو قول در صدد هستند برای نزاع در حقیقت شرعی ثمره‌ای ذکر کنند و این ثمره طبق هر دو قول ثابت می‌شود، یعنی اگر حقیقت شرعی را بپذیریم الفاظ وارد شده در کتاب و

۱. محاضرات، ج ۱، ص ۱۴۲.

سنت را باید بر معنای شرعی حمل کنیم ولی اگر حقیقت شرعیه را نپذیریم طبق یک قول (قول مرحوم آخوند) لفظ را باید بر معنای لغوی حمل کنیم لکن طبق قول دیگر باید توقف کنیم و این ثمره‌ای است که بر بحث حقیقت شرعیه مترتب می‌شود؛ چون نتیجه این نزاع حمل یا عدم حمل الفاظ وارد شده در کتاب و سنت بر معنای شرعی یا معنای لغوی یا هیچ کدام است.

#### قول سوم: نظریه محقق نائینی (انکار ثمره)

در مقابل این دو قول که در پذیرش ترتب ثمره بر حقیقت شرعیه مشترک بودند بعضی منکر ترتب ثمره بر حقیقت شرعیه هستند و رأساً می‌گویند قول به حقیقت شرعیه یا انکار آن اساساً هیچ ثمره‌ای در پی ندارد یعنی چه قائل باشیم شارع لفظ را برای معنای جدید وضع کرده یا قائل باشیم لفظ را برای معنای جدید وضع نکرده بلکه به کمک قرینه همان لفظ را در معنای جدید استعمال کرده است فرقی نمی‌کند. محقق نائینی قائل به این نظریه است.

ایشان می‌گویند ما چه قائل به حقیقت شرعیه باشیم و چه قائل نباشیم بالاخره الفاظ مستعمله در لسان شارع را بر معنای شرعی حمل می‌کنیم، وقتی در هر صورت ما این الفاظ را بر معنای شرعیه حمل می‌کنیم این نزاع ثمره‌ای نخواهد داشت، به نظر ایشان این الفاظ در یک زمانی در ادله‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند، حال چه آن موقع این الفاظ برای آن معنای شرعی وضع شده بودند چه وضع نشده بودند و مجازاً و مع القرینه استعمال شده بودند ولی بعد از مدتی که بین متشرعه شیوع پیدا کرد و آنها با این الفاظ مأنوس شدند و این اصطلاحات جدید مثل «صلاة»، «زکات» و «طواف» وارد فضای فکری و فرهنگی مردم شد و در عرف متشرعه این الفاظ بر معنای شرعی حمل شد فرقی نمی‌کند قائل به ثبوت حقیقت شرعیه باشیم یا قائل به عدم ثبوت حقیقت شرعیه باشیم چون الفاظ یا در کتاب است یا در سنت و با توجه به اینکه اکثر احکام ما در روایاتی که از ائمه (ع) به ما رسیده بیان شده و این روایات هم دقیقاً در آن زمانی بوده که این الفاظ معنای شرعیه خود را بین مسلمین و متشرعه افاده می‌کردند و کسی شبهه‌ای در مورد معنای این الفاظ نداشته پس ما عمده احکام را که از روایات معصومین (ع) بدست می‌آید قهراً همان معنای شرعی را از آن الفاظ استفاده می‌کنیم و این الفاظ در کلمات معصومین (ع) بر معنای شرعی حمل می‌شود.

آن مواردی هم که ائمه (ع) از قول پیامبر (ص) حدیثی را نقل کرده‌اند یعنی کلام نبی (ص) از طریق ائمه (ع) نقل شده این الفاظ در کلام پیامبر (ص) هم بر معنای شرعی خودش حمل می‌شود؛ چون این کلام در عصر ائمه (ع) و توسط ائمه (ع) بیان شده است. پس نیازی به بحث از این الفاظ نیست که آیا شارع آنها را وضع کرده یا خیر چون ما در مراد شارع از این الفاظ شک و تردیدی نداریم تا بخواهیم ببینیم آیا این الفاظ را باید بر معنای شرعی حمل کنیم یا بر معنای لغوی؟ هر چه که بوده گذشته، ممکن است در بدو امر قول به ثبوت یا عدم ثبوت حقیقت شرعیه تأثیر گذار باشد اما بعداً با شکل‌گیری عرف متشرعه و فهم معنای شرعی از این الفاظ این نزاع یک نزاع بی حاصل خواهد بود.

به عبارت دیگر محقق نائینی می‌فرماید: اصل این کبری مسلم است که اگر ما قائل به ثبوت حقیقت شرعیه باشیم و بپذیریم شارع الفاضلی را در محیط شرع برای معانی خاصی وضع کرده قهراً هر لفظی که در لسان دلیل وارد شود باید بر معنای شرعی حمل شود ولی اگر حقیقت شرعیه را نپذیریم قهراً الفاظ وارد شده در لسان دلیل باید بر معنای لغوی خودش حمل شود و این چیزی واضح و روشن است اما صغرای مسئله ثابت نیست یعنی ما در مراد شارع شک نداریم که آیا شارع معنای شرعی را اراده کرده یا معنای لغوی را چون مراد شارع بعد از گذشت مدتی برای مسلمین معلوم شده که منظور از الفاظ وارد شده در لسان دلیل همان معنای شرعیه است پس ما در مراد شارع شک نداریم چون روشن و واضح است که مراد از الفاظ وارد شده در لسان دلیل معنای شرعی آن الفاظ می‌باشد لذا چه ما قائل به ثبوت حقیقت شرعیه باشیم و چه قائل به عدم ثبوت حقیقت شرعیه باشیم ثمره‌ای نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

#### بررسی نظریه محقق نائینی:

به نظر می‌رسد آنچه که در مقام تحقیق می‌توان گفت این است که به یک معنی هم سخن مرحوم آخوند درست است و هم سخن محقق نائینی به این بیان که محقق نائینی که کبری را پذیرفته همان مطلبی است که مرحوم آخوند به آن اشاره کرده پس در کبرای مسئله بین این اقوال اختلافی نیست و آن اینکه همه قبول دارند که اگر حقیقت شرعیه را بپذیریم و بگوییم شارع وضع خاصی داشته قهراً الفاظ وارد شده در کتاب و سنت باید بر معنای شرعی حمل شود و الا اگر حقیقت شرعیه را نپذیریم الفاضلی بر معنای لغوی حمل خواهد شد فی الجمله (بین قائلین به حمل لفظ بر معنای لغوی هم اختلافی وجود دارد که بحث آن را قبلاً اشاره کردیم)، پس کبرای مسئله مورد قبول همه است لکن اختلاف در صغرای مسئله است که محقق نائینی می‌گوید اصلاً شک در مراد استعمالی شارع برای ما پیش نمی‌آید تا نوبت به بحث از این برسد که لفظ باید بر معنای شرعی حمل شود یا بر معنای لغوی ولی مرحوم آخوند می‌فرماید این شک پیش می‌آید لذا بحث از حمل بر معنای لغوی یا شرعی هم پیش خواهد آمد.

حال اینکه ما رأساً بگوییم اتفاق نمی‌افتد که ما شک در مراد استعمالی شارع داشته باشیم چنانچه محقق نائینی گفت پذیرفته نیست، محقق نائینی گفت اصلاً شک پیش نمی‌آید که مراد شارع معنای لغوی است یا شرعی ولی ما می‌گوییم کلام ایشان به نحو کلی قابل پذیرش نیست، چون در مورد روایاتی که ائمه (ع) از قول پیامبر (ص) نقل کرده‌اند جای این شبهه است که به چه دلیل ما کلامی را که مثلاً امام صادق (ع) از قول پیامبر (ص) نقل فرموده‌اند بر معنای شرعی حمل کنیم، چون کلام پیامبر (ص) در زمان خود حضرت (ص) گفته شده و بعداً در زمان امام صادق (ع) توسط ایشان مورد استناد قرار گرفته، اینکه این کلام در زمان پیامبر (ص) صادر شده و بعد در زمان امام صادق (ع) و توسط ایشان مورد استناد واقع شده موجب نمی‌شود که ما کلام رسول اکرم (ص) را بر معنای شرعی که بعداً مردم از آن کلام می‌فهمند حمل کنیم.

۱. اجود التقريرات، ج ۱، ص ۴۸.

بالا تر اینکه بعضی از روایات، نبوی است و از غیر طریق ائمه (ع) نقل شده و در عین حال روایات معتبری هم هستند، پس بعضی از روایات از پیامبر (ص) به دست ما رسیده ولی الفاظی در آنها وجود دارد که دارای معنای شرعی هم می‌باشند لذا این سؤال پیش می‌آید که این الفاظ را باید بر معنای لغوی حمل کنیم یا بر معنای شرعی؟ که در پاسخ می‌گوییم اگر قائل به حقیقت شرعیه باشیم این الفاظ بر معنای شرعی حمل می‌شود ولی اگر حقیقت شرعیه را نپذیرفتیم این الفاظ را بر معنای لغوی حمل می‌کنیم و این ثمره‌ای است که بر بحث از حقیقت شرعیه مترتب می‌شود.

بعلاوه به غیر از روایات در مورد الفاظ قرآن هم این سؤال وجود دارد که آن الفاظ بر معنای لغوی حمل می‌شوند یا بر معنای شرعی، چون لسان ادله مختص به روایات نیست بلکه آیات قرآن هم از ادله محسوب می‌شود، عمومات و اطلاقات زیادی وجود دارد که در خود قرآن بیان شده و مخصّص و مقید آنها در روایات آمده است، لذا سؤال این است که آیا در آیات قرآن که این الفاظ وجود دارد ما این الفاظ را بر معنای لغوی حمل کنیم یا بر معنای شرعی؟ پاسخ این است که اگر حقیقت شرعیه را بپذیریم این الفاظ بر معنای شرعی حمل می‌شود ولی اگر حقیقت شرعیه را نپذیریم قهراً اگر قرینه‌ای در کلام نباشد بر معنای لغوی حمل خواهد شد.

پس اینکه رأساً گفته شود هیچ ثمره‌ای بر بحث از حقیقت شرعیه مترتب نمی‌شود چون صغریاً اصلاً چنین شرائطی پیش نمی‌آید که انسان در معنای الفاظ وارد شده در ادله شک کند سخن درستی نیست چون مواردی هر چند نادر وجود دارد که این شک پیش می‌آید.

پس کلام مرحوم آخوند از این جهت که اصل ثمره را گفته و به کبرای مسئله اشاره کرده که اگر حقیقت شرعیه را بپذیریم و بگوییم شارع وضع خاصی داشته قهراً الفاظ وارد شده در کتاب و سنت باید بر معنای شرعی حمل شود و الا اگر حقیقت شرعیه را نپذیرفتیم الفاظ بر معنای لغوی حمل خواهد شد مورد قبول ماست لکن شرطی که ایشان ذکر کردند که احراز تأخر استعمال از وضع بود مورد اشکال واقع شد که نادر اتفاق می‌افتد.

پس در مقام دوم که بحث از ثمره حقیقت شرعیه است ما فی الجمله می‌توانیم این ثمره را بپذیریم.

**بحث جلسه آینده:** بحث از اصل حقیقت شرعیه که آیا حقیقت شرعیه داریم یا نه و آیا شارع وضع خاصی دارد یا نه را انشاء الله در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»